

بررسی مولفه‌های سوررئالیستی در رمان شب ملخ جواد مجابی

سیده مروارید حسینی

کارشناس ارشد ادبیات مقاومت دانشگاه شهرکده ایران

چکیده

رمان شب ملخ، نوشته‌ی جواد مجابی است، شب ملخ رمانی است که با نگرش منفی و بدبینانه نسبت به جنگ نوشته شده است و وقایع و اتفاقات آن دربارهِ هشت سال دفاع مقدس است. شب ملخ رمانی سوررئال و رویاگونه است که زمان در آن به هم ریخته و نامشخص است و در واقع یک نوع پازل در هم ریخته است که خواننده را تا صفحه آخر رمان منتظر نگه می‌دارد فضای فراواقعی در رمان به وضوح دیده می‌شود. نویسنده فضای ترس، وحشت، اضطراب و سوررئالیستی را در رمان به خوبی منعکس کرده است. در این رمان ویژگی‌های سوررئالیستی، مانند در هم ریختگی زمان و مکان، فضاها و وقایع وهم الود، حوادث عجیب و غریب، رویا و خواب و اعمال غیرعادی... دیده می‌شود. و مولفه‌ی سوررئالیستی طنز، طنزی تلخ و گزنده با بسامد بالا در رمان به کار رفته است. مقاله‌ی حاضر با روش تحلیل محتوا قصد دارد که به مهم‌ترین مولفه‌های سوررئالیستی در رمان شب ملخ بپردازد.

واژه‌های کلیدی: سوررئالیسم، شب ملخ، جواد مجابی، مولفه‌های سوررئالیستی.



مقدمه

مکاتب ادبی اروپا در ادبیات معاصر ایران تاثیر فراوانی گذاشته‌اند، به طوری که در آثار ادبی دوره‌ی معاصر می‌توان به وضوح ویژگی‌های مکاتب ادبی را ملاحظه کرد و یکی از مکاتب ادبی که در ادبیات معاصر بسیار تاثیرگذار بوده است، مکتب ادبی سوررئالیسم است که توسط نویسندگان و شاعران ایرانی تحصیل کرده در فرانسه در ایران شناخته شد و همین نویسندگان و شاعران نیز از مروجان و بانیان اصلی مکتب سوررئالیسم در ایران محسوب می‌شوند.

اگر ادوار رمان‌نویسی معاصر را به دو دوره‌ی کلی، پیش از انقلاب (۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷) و پس از انقلاب (۱۳۵۷ تاکنون) تقسیم کنیم؛ به دلیل تمایلات نوستالژیک حاصل از سرخوردگی قشر روشنفکر از شکست انقلاب مشروطه، کودتای ۲۸ مرداد، دخالت استعمار و بی‌کفایتی رژیم پهلوی، غالب رمان‌ها با روایت‌های اسطوره‌ای پیش از انقلاب متأثر از دو جریان؛ یکی رمانتیسم و دیگر سوررئالیسم نگاشته شده‌اند. از اواخر دهه‌ی ۶۰ بار دیگر رمان نویسان با رویکرد رئالیسم جادویی و سوررئالیسم به نگارش روایت‌های اسطوره‌ای روی آوردند. (بزرگ بیگدلی، قاسم زاده، ۱۳۸۹: ۷۳).

«تمایل به سوررئالیسم با هدایت به ادبیات ایران راه یافت. بوف کور در سال ۱۳۲۰ به کوشش حمید رهنما در روزنامه‌ی ایران چاپ شد نخستین انعکاس‌های مکتب سوررئالیسم نیز در همین سال‌ها به ایران رسید». (میرعابدینی، ۱۳۷۷، ج ۲، ۱۱۹).

رمان سوررئالیستی در ایران با آثار صادق هدایت (بوف کور، سه قطره خون) آغاز شد و با توجه به موقعیتی که صادق هدایت بدان دست یافت. نویسندگان دیگر نیز از روش او پیروی نمودند و از ویژگی‌های مکتب ادبی سوررئالیسم در آثارشان استفاده کردند از آثار دیگر سوررئالیستی: شازده احتجاب، نوشته‌ی هوشنگ گلشیری، ملکوت نوشته‌ی بهرام صادقی، گاوخونی نوشته‌ی جعفر مدرس صادقی، پیکر فرهاد نوشته‌ی عباس معروفی و رمان‌های سه گانه «پارسیان و من» نوشته‌ی آرمان آراین را می‌توان نام برد. در رمان گنجشک‌ها بهشت را می‌فهمند نوشته‌ی حسن بنی‌عامری در واقع روی آوردن به جریان سیال ذهن و توصیف حوادث رخ داده از طریق آزادسازی ذهن فعال باعث شده تا رمان در وادی مکتب سوررئالیسم جای گیرد و به گونه‌ای وحدت و یکپارچگی خاصی در شیوه‌ی پست مدرنیسم و مکتب سوررئالیست ایجاد شود. (پارسی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۸۱).

دلایلی که باعث شده است که رمان شب‌ملخ را سوررئالیستی بنامیم عبارتند از:

۱. نمادین بودن
۲. تلفیق واقعیت و رویا
۳. درهم ریختگی زمان و مکان
۴. فضای فراواقعی، وهم آلود و مرگبار حاکم در رمان.



پیشینه ی پژوهش:

کتاب ها و مقالات متعددی درباره ی سوررئالیسم نوشته شده است که به برخی از آنها اشاره می شود: کتاب ها: «مکتب های ادبی»، (۱۳۳۴)، نوشته ی رضا سیدحسینی (ج ۲)، «رنالیسم و ضدرنالیسم در ادبیات»، (۱۳۳۴)، نوشته ی سیروس پرهام، «از رمانتیک تا سوررئالیسم»، (۱۳۳۶)، نوشته ی حسن هنرمندی، «سوررئالیسم انگاره ی زیبایی شناسی»، (۱۳۷۷)، نوشته ی مصطفی آل احمد، «آشنایی با مکتب های ادبی»، (۱۳۸۵)، نوشته ی منصور ثروت، «بلاغت تصویر»، (۱۳۸۶)، نوشته ی محمود فتوحی و ...

مقالات: «تاملی در نوع و میزان تاثیر مکاتب ادبی اروپا بر داستانهای مخملباف»، (۱۳۸۴)، نوشته ی حمید طاهری، «سوررئالیسم و مقالات شمس تبریزی»، (۱۳۸۵)، نوشته ی عصمت اسماعیلی و منا علی مددی، «سوررئالیسم و انسان شناسی»، (۱۳۸۶)، نوشته ی ناصر فکوهی، «سوررئالیسم در تفکر معاصر»، (۱۳۸۷)، نوشته ی سید جمال موسوی شیرازی، «عرفان و سوررئالیسم از منظر زمینه های اجتماعی»، (۱۳۸۹)، نوشته ی رحمان مشتاق مهر، ویدا دستمالچی، «از سوررئالیسم فرانسوی تا روزبهان بقلی»، (۱۳۸۷)، نوشته ی محمد امیرعبیدی نیا، سعیده زمان رحیمی، «بوطیقای تصاویر و اشیاء در گفتمان سوررئالیستی»، (۱۳۸۹)، نوشته ی طلایه رویایی، «تاثیر مکتب ادبی سوررئالیسم بر داستان های صادق هدایت»، (۱۳۹۱)، نوشته ی غلامرضا تمیمی، نادیا توکلی روزبھانی، «سوررئالیسم در داستان واهمه های بی نام و نشان غلام حسین ساعدی»، نوشته ی مرتضی رزاق پور، مریم طهوری و «بررسی مولفه های سوررئالیستی در رمان سمفونی مردگان» نوشته ی حجت الله امیدعلی (۱۳۹۶) و ...

پایان نامه هایی که درباره ی رمان شب ملخ به نگارش در آمده است عبارتند از:

«نقد جامعه شناسی چهار رمان جنگ شب ملخ، آداب زیارت، طوفان دیگر در راه است، سفر به گرای ۲۷۰ درجه» نوشته ی وجیه فضلعلی (۱۳۸۹)، «مقایسه جنگ در رمان (زمستان ۶۲ اسماعیل فصیح، شب ملخ جواد مجابی، سفر به گرای ۲۷۰ درجه احمد دهقان، شطرنج با ماشین قیامت حبیب احمدزاده و بازتاب آنها)» نوشته ی طاهره احمدی ورزنه (۱۳۸۹)

مقالاتی درباره ی شب ملخ نوشته شده است که به برخی اشاره می شود:

۱. «شب ملخ، نگاهی کویستی به جنگ»، نوشته ی رضا سرور (۱۳۸۳)، «بررسی داستان شب ملخ از منظر رنالیسم جادویی» نوشته ی سمیه شیخزاده (۱۳۹۶)، «شخصیت پردازی زنان در رمان دفاع مقدس با تکیه بر چهار رمان (زمستان ۶۲، شب ملخ، سفر به گرای ۲۷۰ درجه و شطرنج با ماشین قیامت)» نوشته ی محمدرضا یوسفی و طاهره احمدی ورزنه (۱۳۹۸)، «بررسی رمان شب ملخ با رویکرد ساختگرایی تکوینی» نوشته ی مهود فاضلی (۱۳۹۷) و مقاله «بررسی رمان شب ملخ جواد مجابی از منظر شگردهای طنزپردازی» نوشته ی اعظم ابدالی و جهانگیر صفری (۱۳۹۹)



با توجه به پیشینه‌ی پژوهش و بررسی‌های انجام شده توسط نگارنده، مقاله‌ای با عنوان «مولفه‌های سوررئالیستی در رمان شب ملخ جواد مجابی» انجام نشده است و به همین دلیل به پژوهش درباره‌ی مولفه‌های سوررئالیستی در رمان شب ملخ» خواهد پرداخت.

سوررئالیسم

سوررئالیسم، مکتبی ادبی و هنری است که در قرن بیستم در فرانسه شکل گرفت و مکتبی ضد عقل، ضد واقعیت و مخالف هرگونه منطق است و از ضمیر ناخودآگاه سرچشمه می‌گیرد و پیروان این مکتب بر اصولی تاکید دارند که یکی از مهم‌ترین آنها گرایش به جهان پراز وهم و مرگ و رویاست. «اصطلاح سوررئالیسم از دو جزء اساسی سور (sur) به معنی روی، بر فراز و بالا و رئال (real) به معنی حقیقت، چیز واقعی، صحیح و حقیقی ترکیب یافته است». (ثروت، ۱۳۸۵: ۲۲۸). «سوررئالیسم در زبان فرانسه به معنی در ورای واقعیت و پشت واقعیت و واقعیت برتر است». (داد، ۲۹۷: ۱۳۸۲).

سوررئالیسم یا سوپرنرئالیسم به معنای فراواقعیت، وهم‌گرایی، ابهام‌گرایی نیز می‌باشد. منوچهر جراح زاده در تعریف سوررئالیسم نوشته است: «سوررئالیست زبان تشنجات و هیجانات زمان است و دعوتی به عصیان و فریاد علیه ناهماهنگی‌های زمان، نمایاندن زشتی‌ها و پلشتی‌ها و واقعیت‌های اجتماعی است. انتقال اندیشه، کنکاش روانی، کشف ماهیت پدیده‌ها و واقعیت برتر، عمق‌یابی، تقابل هوش و ماده رهاشدن از خویش، آهنگین کردن فکر و فعالیت ذهنی و درونی است». (جراح زاده، ۱۳۸۱: ۲۰۶). سوررئالیست‌ها با درهم شکستن تابوهای اخلاقی، اجتماعی، منطقی، هنری و ادبی در پی دست یافتن به واقعیتی برتر از واقعیت خارج از ذهن بودند. نویسندگان ایرانی در نگارش رمان سوررئالیستی موفقیت چشمگیری داشتند و اغلب در رمان به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه مولفه‌های سوررئالیستی را به کار برده‌اند.

«واژه سوررئالیسم نخستین بار در نمایشنامه‌ی عبث نمای آپولینر به نام سینه‌های تیره زیاس ظاهر شد که در سال ۱۹۰۳ نگارش یافت اما نخستین بار در سال ۱۹۱۷ به روی صحنه رفت». (نوری کوتابی، ۱۳۹۲: ۵۳۰). «در سال ۱۹۱۷ آپولینر از نمایشنامه‌ی پستان‌های تیرزیاس خویش و باله‌ی رژه اثر دیاگلیف با عنوان آثار سوررئالیستی یاد کرد از آن پس نویسندگان و منتقدان این اصطلاح را در آثار سوررئالیستی به کار بردند». (همان، ۷۱۸).

به طور کلی عوامل به وجود آمدن مکاتب، جنگ‌ها، انقلاب‌ها، اعتقادات و باورها، فرهنگ، اقتصاد، هنر، سیاست، حکومت، مذهب، نظریات و دیدگاه‌های فلسفی است که همه‌ی این موارد در شکل‌گیری مکتب سوررئالیسم نیز نقش داشتند.



«زمینه‌ی اجتماعی بوجود آمدن این مکتب بروز جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م) و عوارض و پیرایشانی‌هایی است که نتیجه و دنباله‌ی آن بود اما در عین حال گسترش افکار و عقاید زیگموند فروید (۱۸۵۶-۱۹۳۹م) روانشناس اتریشی که معتقد به ضمیر ناخودآگاه بشر و تجزیه و تحلیل آن بود بیشترین تاثیر را در ایجاد این مکتب داشته است». (میرصادقی، ۱۳۷۳: ۱۴۰).

«از طرف دیگر پژوهش‌های اخیر نشان داده که افکار نیچه و گوته یا نوشته‌های عرفانی و کیمیاگری و حتی جلسات احضار روح در شکل‌گیری نهضت سوررئالیست موثر بوده است». (یونگ، ۱۳۸۳: ۷).

مهمترین اصول و مولفه‌های مکتب ادبی سوررئالیسم

مهمترین اصول و مولفه‌های مکتب سوررئالیسم عبارتند از:

۱. طنز ۲. امر شگفت ۳. رویا و خواب ۴. نگارش خودکار ۵. عشق ۶. تصادف عینی ۷. جنون ۸. اشیاء و پدیده‌های سوررئالیستی ۹. ابهام یا درهم ریختگی زمان و مکان.

۱. **طنز:** «کسی که دنبال جاودانگی است و جهان موجود را از حیث روابط انسانی، اخلاقی، ضعیف و بی‌محتوا می‌داند بهترین راه وداع با آن را در دست انداختن و خندیدن به وضعیت حاکم می‌داند و این بهترین راه تخریب چنین جهانی است بدین ترتیب، هزل می‌تواند ما را از واقعیت موجود به واقعیت برتری که ورای صورت‌های مالوف و همیشگی نهفته است رهنمون شود». (ثروت، ۱۳۸۵: ۲۶۲-۲۶۱).
اغلب سوررئالیست‌ها، پوچ‌گرا و نیهلیسم‌گرا بودند. آنها جهان و هر آنچه در آن وجود داشت را با استفاده از طنز مورد ریشخند و تمسخر قرار می‌دادند.

۲. **امر شگفت و جادو:** سوررئالیسم با نقد واقعیت به نهضتی می‌پیوندد که در علوم پایه‌های جزمیت را متزلزل می‌کند و در فلسفه کیفیت انتزاعی نظام‌هایی را که فقط بر بنیاد منطق استوارند نشان می‌دهد هر کس وارد قلمروی شود که در آن گروتسک و مجهول غربت خود را از دست می‌دهد مانند پل الوار در می‌یابد که همه چیز قابل تشبیه به همه چیز است در این جهان وهم آمیز عجیب ترین حوادث طبیعی جلوه می‌کند ذهن نقاد از کار می‌ماند اجبارها از میان می‌رود همین قلمرو سحرآمیز قلمرو سوررئالیسم (واقعیت برتر) است بنابراین، سوررئالیست‌ها از دنیای واقع دور می‌شوند تا در جهان اوهام و اشباح نفوذ کنند. (سید حسینی، ۱۳۸۴، ج ۲، ۸۲۴-۸۲۲).

امر شگفت، انجام امری یا اموری است که در جهان واقعی ناممکن، محال و غیرمنطقی است. نویسنده از آنها برای شگفتی و جذابیت آثارش استفاده می‌کند و آنها را در آثارش به نحوی به کار می‌برد تا برای مخاطبان نیز قابل باور و ممکن به نظر برسند.



۳. **رویا و خواب:** «در رویا، جهان حس سر تسلیم فرود می‌آورد و کل منطق زبان و نظام خطی زمان در روابط علی و معلولی در هم می‌ریزد عادت از آن پیراسته می‌شود و مرزهای قطع میان انسان و جهان و اشیاء از بین می‌رود، رویا توانایی آن را دارد که زندگی را تکان دهد. غبار عادت را از آن بتکاند و اشیاء و جهان را تصاحب کند». (سعید، ۱۳۷۶: ۱۰۶-۱۰۵).

رویا و خواب به انسان توانایی و قدرتی می‌دهد تا همه محدودیت‌ها و ناتوانی‌هایش را فراموش کند و بتواند با استفاده از قدرت خواب و رویا به آمال و آرزوهای دیرینه‌شان دست یابند و به واقعیت برتر برسند. ۴. **نگارش خودکار:** «روش نگارش اتوماتیک یا خودکار به اتکا تداعی معانی آزاد تنها وسیله‌ای است که می‌تواند این رویا و توهم و خیال‌گریز پا را در جایی ثبت کند بر همین اساس یکی از شیوه‌های سوررئالیست‌ها نگارش فی‌البداهه و بدون تامل بود از این رو مطالب را همان‌گونه که در ذهنشان می‌گذشت و بر قلمشان جاری می‌شد می‌نوشتند اینکه آثار سوررئالیست‌ها از نظر نگارشی نظیر آیین سجاوندی، مراعات دستور زبان و رعایت سایر موارد دارای اشکالهای فراوان است از اینجا ناشی می‌شود». (ثروت، ۱۳۸۵: ۲۶۰-۲۵۹).

نگارش خودکار، نوعی تخلیه ذهن و بداهه‌گویی است و شاعرو نویسنده بدون هیچ‌گونه فکر و تاملی کلمات را همان‌گونه که در ذهن می‌گذرد بر زبان می‌آورند.

۵. **عشق:** «عشق که تا پایان دهه‌ی بیست و یکم ادبیات سوررئالیستی را فراگرفت یک امتداد تقریباً طبیعی علایق دیگر آنها بود عشق، در تعریف، آشتی و جمع اضداد است. ابراز وجود نیروهای عریانی است که سوررئالیست‌ها مصمم به بهره‌برداری از آن بودند، عشق برابر نهاد واکنش عقلی است». (بیگزبی، ۱۳۸۴: ۹۱).

«عشق بزرگترین دشمن عقل است و این نیروی بزرگ می‌تواند در بیرون راندن عقل از ساحت هنر سوررئالیست‌ها یاری کند». (فتوحی رود معجنی، ۱۳۸۶: ۳۱۰). عشق، در نزد سوررئالیست‌ها ارزش فراوانی داشت و آنها اعتقاد داشتند با عشق می‌توان از عقل‌گرایی دور شد و به عمق واقعیت رسید.

۶. **تصادف عینی:** «سوررئالیسم به هیچ وجه نمی‌تواند خود را از محدوده‌ی ذهنیت و درون‌گرایی زندانی کند، اصولی که دارد ایجاب می‌کند که پیوسته در جستجوی ترکیبی بین ذهن و عین باشد اگر به سراغ علوم باطن می‌رود در عین حال غافل از اهمیت ماده و زندگی اجتماعی نیست. برعکس، نقشی به عهده دارد این است که عملاً با آنها روبه‌رو شود و یا ببیند که از چه طریق نهانی‌ترین ذهنیت‌ها و ملموس‌ترین عینیت‌ها می‌توانند با هم رابطه پیدا کنند». (سیدحسینی، ۱۳۸۴: ۸۴۶).



تصادف عینی (پیش‌بینی) به معنای آن است که هر چه در فکر و ذهن انسان بگذرد پس از مدتی در دنیای واقعی به وقوع پیوندد و آندره برتون در رمان «نادیا» به این ویژگی سوررئالیستی پرداخته است.

۷. جنون: «در نظر سوررئالیست‌ها جنون و آدم مجنون بهترین نمونه‌ی آزادی و یلگی از تمامی قیدهاست آدم‌های مجنون بی آنکه توجهی به سنت‌ها، قراردادهای قانونی و عرفی و اخلاقی داشته باشند، حتی بی توجه به نفع و ضرر خویش رفتار می‌کنند در نتیجه به نیرنگ و ریا توسل نمی‌جویند و رفتارشان بدرستی نشان‌دهنده‌ی آن چیزی است که در درونشان می‌گذرد». (ثروت، ۱۳۸۵: ۲۵۸-۲۵۷).

۸. اشیاء سوررئالیستی: سوررئالیست‌ها این استفاده را می‌کنند که یک شیء عادی و کاملاً شناخته را از جای خودش بردارند و در جایی که با آن کاملاً بی‌مناسبت است، بنشانند و حال آنکه اشیایی که به طور روزمره ما را احاطه کرده اند. ظاهراً یک بار برای همیشه بنا به کاربردشان تعریف شده‌اند؛ دخالت سوررئالیستی در آنها ظاهر مبتذل شان را به هم می‌زند در پشت منظره‌ی نمایان اشیاء نوعی نهفتگی‌های بالقوه ظاهر می‌شود که می‌خواهند امروزی شوند و باید راهی برای همزیستی با آنها پیدا کرد. (سید حسینی، ۱۳۸۴: ۸۵۵-۸۵۲).

سوررئالیست‌ها، نظم طبیعی اشیاء را به هم می‌زدند و سعی می‌کردند آنها را در جای غیرمتعارف و غیرمعمولی به کار گیرند و نویسنده سوررئالیستی ابعاد، شکل و رنگ اشیاء و پدیده‌ها را همان طوری که در ذهنش می‌گذشت بیان می‌کرد. بنابراین، تصاویری که نویسنده از پدیده‌های سوررئالیستی ارائه می‌داد با پدیده‌ها و اشیاء طبیعی تفاوت چشمگیری داشت.

۹. ابهام یا درهم ریختگی در زمان و مکان: وقتی که زمان و مکان در رمان و داستان نامشخص و مبهم باشد یا آن که گذشته و آینده و حال در رمان و داستان در هم ریخته و نامنظم باشد و تشخیص زمان و مکان دقیق رمان غیرممکن شود می‌گوییم در رمان زمان و مکان نامشخص و درهم ریخته است. قدرت تخیل زمان‌ها و مکان‌های مختلف را در هم می‌آمیزد و حضوری امروزی بدان‌ها می‌بخشد. (براهنی، ۱۳۸۰: ۱۸۶).

زمان و مکان در آثار سوررئالیستی، در ابهام قرار دارد و نویسنده سوررئالیستی مکان‌هایی را در اثرش می‌گنجاند که زائیده‌ی تخیل خودش است. و زمان‌هایی را مورد توجه قرار می‌دهد که در جهان واقعی وجود خارجی ندارند. و نویسنده با پرش از حال به گذشته و از حال به آینده و بالعکس آثارش را سوررئالیستی و فرا واقعی می‌کند.

ابتدا به بررسی زندگی و آثار جواد مجابی می‌پردازد و پس از آن، به اصول و مولفه‌ی سوررئالیستی در شب ملخ خواهد پرداخت.



زندگی و آثار جواد مجابی

جواد مجابی نویسنده ای، سوررئالیستی شناخته شده است؛ به خاطر فضاهای سوررئالیستی و وهم آلودی و تلفیق خیال و واقعیت که در آثارش به کار برده است. در ذیل به زندگی جواد مجابی می‌پردازد.

«جواد مجابی در سال ۱۳۱۸ در قزوین به دنیا آمد و تحصیلات خود را تا حد دکترا به پایان برد و تاکنون در زمینه‌های مختلف شعر، داستان، نمایشنامه و نقد و پژوهش‌های ادبی آثاری از او منتشر شده است از جمله آثار داستانی او می‌توان از مجموعه «آقای دوزنقه ۱۳۵۰» و «من و ایوب و غروب ۱۳۵۱» و «دیوساران ۱۳۵۹»، «از دل به کاغذ، ۱۳۶۹»، «شب ملخ، ۱۳۶۹»، «رمان‌ها «شهربندان، ۱۳۶۶»، «مومیایی، ۱۳۷۲» را نام برد. جواد مجابی روزنامه نگاری شناخته شده است و چند روزنامه و مجله به سردبیری هنری او انتشار یافته است و آثار پراکنده‌ای از خود به جا گذاشته است». (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۲۹۵).

منتقدان و نویسندگان درباره‌ی «رمان شب ملخ» نظراتی را ارائه داده‌اند که به برخی از آنها خواهد پرداخت. «شب ملخ که در ۱۵ بخش روایت می‌شود، شروعی زیبا دارد نمونه‌ای است از رئالیسم جادویی برای به نمایش در آوردن سطوح پنهان واقعیت، تنوع سبک‌های به کار گرفته شده در روایت بخش‌های گوناگون رمان، هم نشان از تجربه ادبی دارد و هم حکایت گر تلاش برای فهم غرابت رویدادها است؛ طنز داستان متکی بر نابجا بودن موقعیت‌ها است حضور مردگان در میان زنده‌ها ماجراهای کابوسناکی می‌آفریند که مثل قطعه‌های کوبیستی کنار هم قرار می‌گیرند تا کابوس جمعی را شکل دهند». (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ج ۳، ۹۲۰-۹۲۱).

در شب ملخ جواد مجابی شخصیت‌های اسطوره‌ای مانند حلاج، افراسیاب، بزرگمهر و... وارد رمان کرده است و دیدگاه‌ها و نظرات خودش را درباره‌ی وقایع تاریخی به زبان این شخصیت‌ها بیان می‌کند. از مولفه‌های آثار سوررئالیست‌ها استفاده از اسطوره و نماد است که مجابی از این ویژگی به طور چشمگیری در رمان شب ملخ استفاده کرده است.

«اگر شب ملخ را رمان بنامیم بایستی اضافه کنیم که در بیان زمان و مکان تردید دارد، نوع خاص شخصیت‌پردازی‌ها، بیان نامتناسب حوادث و حضور گاه و بیگاه راوی و تغییر شکل زاویه دید از جمله تفاوت‌های اساسی شب ملخ با رمان‌های متداول است رابطه‌ی درونی اپیزودهای شب ملخ گرچه چندان جذاب نیست ولی تازه، نامتداول و غیر معمولی هستند». (حنیف، ۱۳۷۳: ۱۱۶).

یکی از ویژگی‌های آثار سوررئالیستی، جان بخشی به اشیاء بی‌جان است که جواد مجابی در رمان شب ملخ به اشیاء بی‌جان، حرکت و اعمالی را نسبت می‌دهد که یک شیء طبیعی و بی‌جان قادر به انجام چنین اعمالی نیست.



«شاید بتوان گفت که تمثیل، تاریخ و طنز سه مولفه اصلی و مشترک تمام آثار مجابی است او با به کار بستن این سه عنصر در بستری فراواقعگرایانه به نوعی سوررئالیسم اجتماعی دست می‌یابد». (سرور، ۱۳۸۳: ۳۳).

از نظر ساختاری، داستان‌ها اغلب گرفتار نثر ژورنالیستی است، نثری که هویتی از خود ندارد و ملغمه‌ای است از نثر گفتاری و نثر ادبی که بیشتر توضیح می‌دهد و تشریح می‌کند تا نشان بدهد و تصویر بکند و کلمه‌ها و ترکیب‌های کلیشه‌ای می‌آید. گذشته از نثر داستان‌ها و شبه‌داستان‌ها گرفتار ایرادهای فنی است و اغلب میان قطعه، طرح، گزارش و داستان آویزان است. (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۲۹۷-۲۹۵).

تصاویر حیرت‌آور، مکان و زمان بی هویت و درهم ریخته، فضای وهم و رویا و حوادث و اتفاقات عجیب و شگفت‌همه‌ای از تصاویر سوررئالیستی هستند که در رمان شب ملخ به کار رفته است. «نویسنده تا جایی که توانسته به وقایع زمان حال پرداخته است به رغم سوررئال بودن بسیاری از کارها، تصویرها مجرد و انتزاعی نیستند، بلکه برگرفته از واقعیت‌هایی هستند که نحوه اتصال آنها فرا واقع‌گونه است، حتی موردهایی که در آن به گذشته پرداخته شده، بهانه‌ای است تا تکراری بودن واقعیت‌های اکنون نشان داده شود؛ بیشتر به موقعیت پرداخته می‌شود تا شخصیت‌پردازی به معنای متعارف آن کمتر انجام می‌گیرد و ناگزیر ساختار داستان بیشتر بر روایت توصیفی استوار است تا مکالمه به رغم این موضوع صدا حضوری پررنگ و تکان‌دهنده در کارها دارد حتا بسیاری از آنها با واژه صدا شروع می‌شود، مرگ قدرت و تنهایی از مضمون‌های آشنای این کارها است». (مهویزانی، ۱۳۷۶: ۱۲-۱۱).

خلاصه رمان شب ملخ

رمان با انفجار سه بمب که به محل‌های پزشکی قانونی، گورستان شهر و یک نقطه نامشخص دیگر اصابت کرده شروع می‌شود سپس اوهام مردگان را بیان می‌کند و پس از آن به اصابت بمب به سینما آزادی و خانواده‌ای سه نفری راوی صحبت می‌کند و سپس به بمب باران نهران، کنسرت اشباح، کودکان جنگ زده، سربازان جبهه‌ها، عمارت سه طبقه‌ای شقه شده‌ای که پیرزنی در آن مشغول کلاف بافی است و کسانی که فرزند شهیدشان عوض شده می‌پردازد و آخرین فصل رمان با این جمله پایان می‌یابد «چه چیزهای بی معنایی!».

اغلب راوی و همسرش ناستین و پسرش حسین و دخترش پوپک داستان‌ها را روایت می‌کنند. گاهی نیز شخصیت‌های دیگر به روایت داستان می‌پردازند.



مولفه‌های سوررئالیستی در رمان شب ملخ

نمونه‌هایی از مولفه‌های سوررئالیستی که در رمان شب ملخ به کار رفته است عبارتند از:

۱. **طنز:** در رمان شب ملخ این ویژگی سوررئالیستی به طور بارزی مشاهده می‌شود و نویسنده از طنز دردناک و تلخی در رمان بهره می‌گیرد که به نمونه‌هایی از آن می‌پردازد.

۱-۱. «اینها کارمندند به چندر غازی زنده‌اند پس به چه درد می‌خورند: درخت بی‌ثمرند، اره‌شان کنید». (مجبایی، ۱۳۶۹: ۴۸).

۱-۲. «روی چمن دانشگاه، حسنگ وزیر، حلاج، قائم مقام و بوذرجمهر دور هم نشسته بودند، به علت اینکه یکدیگر را در کتاب‌های تاریخ مدرسه ندیده بودند یا به علت نداشتن وقت و سواد کافی همدیگر را درست شناسایی نکرده بودند، شفاهی از یکدیگر کسب اطلاع می‌کردند». (همان، ص ۵۵).

نویسنده شخصیت‌های تاریخی از زمان‌های مختلف کنار هم آورده است و به طنز وقت و سواد را از علل شناخت نداشتن آنها از هم می‌داند و دو مشکل اجتماعی را با طنز بیان کرده است.

۱-۳. «آن زن کبیر به اندازه اتاق و هم حجم آن شده بود با هر نفس کشیدنش دیوارهای اتاق و سقف مثل دیواره‌های جعبه مقوایی، تنگ و گشاد می‌شد فیل ماده تنوره می‌کشید، می‌خواست آزاد باشد دیگر درز و فاصله‌ای نبود که هوا از آن عبور کند». (همان، ۱۲۰) نویسنده با طنز، چاقی مفرط مامان جیگر یکی از شخصیت‌های رمان را بازگو می‌کند و هم چنین از مولفه سوررئالیستی امر شگفت نیز استفاده کرده است.

۱-۴. «زن گردن بریده‌ای را زیر لباسهایش قایم کرده بود و می‌دوید با موج بمب دانه‌های مروارید و یاقوت گردن بندش رفته بود توی گوشت تنش زن گردن را می‌برد که با خیال راحت توی آشپزخانه، دانه دانه آن را با کاردر آورد». (همان، ۱۴۷).

نویسنده به طنز تلخی اشاره می‌کند که در زمان جنگ بعضی افراد به خاطر حرص و طمع اموال افراد کشته شده را می‌ربودند.

۲. **امر شگفت:** مولفه‌ی سوررئالیستی امر شگفت نیز در رمان شب ملخ بسامد بالایی دارد.

۱-۲. «مردی از کف خیابان روبروی پزشکی قانونی برمی‌خیزد برغم جمود نعشی جستی می‌زند روی اتومبیل چهار سیلندر قرمز رنگی که به سرعت می‌آید، مرده می‌نشیند سایه‌ی پاهایش درست روی سر خانمی است که اتومبیل می‌راند». (مجبایی، ۱۳۶۹: ۱۶).

نویسنده از زنده شدن مرده خبر می‌دهد که در دنیای واقعی چنین امری رخ نمی‌دهد و امری شگفت و معجزه‌آسا است. که مرده‌ای زنده می‌شود و مرده می‌پرد. روی اتومبیلی می‌نشیند که سایه‌ی پاهایش نیز روی سر خانم راننده قرار گرفته است.



- ۲-۲- یک پای گندمگون جوان و نیرومند بریده شده از زانو که هنوز تپش و طراوت اندامی زنده را دارد از پاچه‌ی شلوار سبز می‌افتد تق! نه خونی نه چیزی فقط یک پای هنوز حیف». (همان، ص ۲۴).
- افتادن و کنده شدن پای جوانی بدون اینکه خونی از آن جاری شود که برای مخاطبان شگفت‌آور و غیرمنتظره است که در جهان واقعی این امر، امر محال و غیرممکنی است.
- ۲-۳- «با تکان‌های شدید لباسش بر اثر قهقهه‌ای بلند و بی اختیار صورت‌های فراوانی از فاصله‌ی کلاه تا یقه‌ی آهارش جدا می‌شوند فرو می‌افتند کف اتاق پراز صورت‌های هنوز سرد نشده است صورت کودک، صورت یک سالمند، صورت ریشوی یک روستائی...». (همان، ص ۲۵).
- ۲-۴- «از ترس، از حیرت، از دیدن وضع غیرعادی یک مرد نشسته در هوا به خنده افتاده بودند». (همان، ص ۴۱). نشستن در هوا یک امر و تصویر شگفت و جذاب است که نویسنده در رمان بیان کرده است.
- ۲-۵- «در زیرزمین وزارت دامپروری وضع از این بدتر بود یک مرد ریشو به زمین افتاده و دست و پا می‌زد و چنگه چنگه موی ریشش کنده می‌شد، عین گوسفندی در حال پشم چینی». (همان، ص ۴۵).
- ۲-۶- «صورت زنی دایم به چپ و راست می‌چرخید صدای سیلی می‌آمد صورت سرخ بعد کبود شد». (همان، ص ۴۶).
- صدای سیلی می‌آید و زنی صورتش سرخ و کبود می‌شود یعنی مرده‌ای که دیده نمی‌شد زن را سیلی می‌زد و این یک امر شگفت است.
- ۲-۷- «شب پره‌های سیاه‌رنگ تا کسی دهان باز می‌کرد وارد دهانش می‌شدند راه گلویش را با پرواز نیمه جان خود می‌بستند تا پلک می‌گشود در زیر پلکش می‌رفتند توی سوراخ دماغ، توی گوش، توی موها می‌چسبیدند از پاچه‌ی شلوار خانم‌ها و آقایان بالا می‌رفتند آنها را به قلقلک و عطسه و خارش و پیچ و تاب وا می‌داشتند». (همان، ص ۵۱).
- ۲-۸- افراسیاب از لابه‌لای آدمها و اشیاء عبور کرده بود، با تشتی که در دست داشت به طرف میدان بهارستان رفته بود وسط میدان تشت را به زمین گذاشته بود در میان تشت خون سر بریده‌ای که لبخند مشکوکی به لب داشت دیده می‌شد افراسیاب دست به کمر زده و به مردمی که خیره به او نگاه می‌کردند، خیره نگاه کرده بود بعد لگدی به تشت زده بود سر پرتاب شده و خون سرازیر شده بود میدان را خون گرفته بود و خون از جویهای دو سوی خیابان جاری شده بود». (همان، ص ۵۷).
- افراسیاب تورانی یک شخصیت در شاهنامه است که در این زمان زنده شده و به میدان بهارستان می‌رود که امری شگفت و خارق‌العاده و جذاب است که در رمان به وقوع پیوسته است.
- ۲-۹- «زن ناگهان خود را پرتاب شده دید شکمش را گرفت انگار شکمش جرخورده باشد دید رانهایش خیس و موجودی از تنش آویزان است و دارد از هوش می‌رود». (همان، ص ۱۷۱).



۳. رویا و خواب: در رمان شب ملخ راوی در بیداری خود را در مکان‌های متفاوتی می‌بیند و روای

اشخاص رمان را روایت می‌کند روای ناستین همسرش، روای حسین، روای باجناق و...

۳-۱- «نه بابا انگار یه نفر می‌خواد بزور خودشو توی صندلی من جا کند، یه گنده یک، استخونام داره خرد میشه». (مجایی، ۱۳۶۹: ۴۰).

۳-۲- آخر حس می‌کردم یک نفر شانه به شانه من تمام روز راه می‌رود حتی وقتی که سرم را روی بالش گذاشتم، نفسش به صورتم خورد». (همان، ص ۵۲).

۳-۳- «دختر چهره برمی‌گرداند آن اندام هوس انگیز از گردن به چهره ی یک پیرمرد مغول منتهی می‌شود مرد با وحشت از جا می‌پرد آژیر قرمز کشیده‌اند مضمون خوابش را به یاد نمی‌آورد اما حس غریب گلویش را می‌خراشد و اشک به چشمانش می‌نشانند». (همان، ص ۸۶). روای مرد طاس است که راوی آن را بیان می‌کند.

۳-۴- روای حسین «یک انار کال را می‌بیند که کسی از دور به طرف او پرتاب کرده است انار چپیده‌ی توی دهانش و نمی‌تواند نفس بکشد قالب دهانش شده، نمی‌تواند آن را بخورد و نمی‌تواند به آن کسی که انار را انداخته فحش بدهد». (همان، ص ۹۰).

۳-۵- «با فاصله چند متری از آدمی که من بودم و حالا روی پرده بود، در سالن نشسته بودم و خود را می‌دیدم که در جایی دیگر، در فصلی دیگر، در مردادماه، عصبی و گیج پای تلفن نشسته‌ام و به این و آن تلفن می‌کنم در حالتی بین بغض و گریه و فریاد». (همان، ص ۱۸۱).

راوی در رویا خود را می‌بیند که در جایی دیگر و در فصلی دیگر و در مردادماه (که در این زمان ابهام وجود دارد زیرا مشخص نیست مردادماه کدام سال را نویسنده بیان می‌کند و چه روزی از ماه مرداد است) در حالتی بین بغض و گریه به سر می‌برد.

۴. جنون: در رمان شب ملخ به خاطر جنگ و اتفاقات عجیبی که رخ می‌دهد مردگان از مکان‌ها و زمان‌های مختلف زنده می‌شوند و وارد زندگی مردم می‌شوند و مردم از ترس اعمال جنون‌آمیزی انجام می‌دهند از ترس و از اجبار مردگانی که آنها را تسخیر کردند.

۴-۱- «در طبقه‌ی دوم مردی روی مبل نشسته بود و پایه‌های مبل روی تیرآهن‌های خمیده‌ی سقف قرار داشت خطر سقوط حتمی بود اما سقوط واقع نمی‌شد مرد با دقتی که از آدمی در چنین وضعیت انتظار نمی‌رود روزنامه می‌خواند». (مجایی، ۱۳۶۹: ۱۱).

در آپارتمانی که شقه شده مردی بدون توجه به اینکه هرآن ممکن است سقوط کند با دقت روزنامه می‌خواند و این یک عمل جنون‌آمیز است و هیچ انسانی عاقلی در موقع خطر این کار را انجام نمی‌دهد.



۴-۲- «زن آشفته مو، کف به لب آورده، نیمه برهنه و نیمه دیوانه شلنگ تخته می انداخت حالا همه بالاتفاق گریه می کردند و چیزهایی را با عبارات موزون هریک به لهجه ای و با فاصله ای از دیگران به زبان می آوردند». (مجابی، ۱۳۶۹: ۴۳). زن از شدت ترس دیوانه شده و کارهای جنون آمیزی از او سر می زند.

۴-۳- «زن سومی که با هوا گلاویز بود، با خندیدنی بی اختیار شروع به رقصیدن کرد». (همان، ۴۳). زن با هوا گلاویز شده کاری بیهوده، غیرمنطقی و غیرعادی و جنون آمیز و خندیدن بی اختیار و ناگهانی شروع به رقص کردن همه این اعمال مخصوص شخصیت های معجون و دیوانه است.

۴-۴- «یک لحظه زن دچار وهم می شود فکر می کند او را دیده است داد می زند: بیدارم خدایا یا تو خوابی من مرده ام یا زنده شده ای؟». (همان، ۳۲). زن دچار جنون شده و حرف های غیرعادی و غیرمنطقی معجون وار می گوید.

۵. **اشیاء سوزنالیستی:** در رمان شب ملخ اشیاء حرکت می کنند و اعمال انسانی انجام می دهند که این در واقعیت رخ نمی دهد. و که این امور، اموری شگفت آور و غیرمنتظره برای مخاطبان است.

۵-۱- «خشک کن از روی میز بلند شد، به طرف صورت او حرکت کرد، کارمند خوش سیما سعی کرد، فرار کند اما در جای خود میخکوب شد، کف خشک کن روی صورت او جوهر را جذب می کرد، از ریش و سیبل او قطرات بنفش را می مکید». (مجابی، ۱۳۶۹: ۴۲).

۵-۲- «زونکن بلند شد بالای سر خانمی اوراق خود را تکاند کاغذها که از میله ای آهن جدا شده بود بالای سر کارمند به پرواز در آمد چند کارتن جر خورد پرونده ها پخش و پلا می شد خط کش های پلاستیکی و چوبی روی میزها می شکست ابزار آهنی خم می شد لوازم التحریر تغییر شکل می داد». (همان، ص ۴۲).

۵-۳- «در کمرکش پله ها یک تلفن در هوا پرواز کنان در ارتفاع قد آدمی کنار دهان مدیر کل قرار گرفت که همین حالا برای دیدن وضع غیر عادی از پله ها پایین می آمد». (همان، ص ۴۵).

۵-۴- «یک ورق روزنامه ی عهد پهلوی با یک شبنامه ی عصر ناصری در پرش های ناموزون از سر شاخه های چنار مسابقه ی دوی با مانع را تعریف می کردند شبنامه عاقبت به شاخه ای گیر کرد و جر خورد روزنامه تا آنجا پرید که کلاغ های باز آمده از مغرب را از لانه رماند». (همان، ص ۲۶۷). بلند شدن خشک کن، پاک کردن صورت کارمند و مکیدن قطرات بنفش توسط خشک کن، بلند شدن زونکن، تکاندن اوراق، تغییر شکل دادن لوازم التحریر، پرواز کردن تلفن، تعریف کردن دوی با مانع توسط یک ورق روزنامه و شبنامه همه اشیایی هستند که در رمان کارهای شگفت

انگیزی انجام می دهند که در واقعیت هیچ کدام از این اعمال را نمی توانند انجام دهند. نویسنده به اشیا جان بخشیده و اعمال شگفت و فرا واقعی را در رمان به آنها نسبت می دهد.



۶. ابهام در زمان و مکان: زمان و مکان در رمان شب ملخ در هم ریخته است و راوی در رمان اعتراف

می‌کند. نمی‌داند در چه زمانی است و اتفاقات چه سالی بر روی پرده می‌آید.

۶-۱- «در سکانس دیگر با یک فاصله زمانی مبهم مانده که معلوم نیست همان فصل بوده یا فصل دیگر از سالی دیگر فرهاد را می‌بینم که لباس اسکی قرمز از سکوی پرتاب سرازیر می‌شود». (همان، ص ۲۰۱).

۶-۲ «روزی دیگر است دیگر نمی‌دانم چه سالی، یا آرزوی چه سالی بر پرده آمده». (همان، ۲۰۴).

۷. **نمادین بودن:** درهم ریختگی ساختار رمان نمادین است. ساختار آشفته‌ی رمان نمادی از نابهنجاری و ناسازگاری اوضاع و شرایط جامعه پس از انقلاب و زمان جنگ است. نمونه‌ی بارز این آشفتگی در فصل کنسرت اشباح بازنمایی شده است. «در فصل باران باستانی، درخت بید و سرو نماد ایرانی می‌شود که در طول تاریخ متجاوزانی در هیئت و رنگ و لباس و زبان متفاوت ولی شباهت‌های دوری به هم آمده‌اند تا آن را ریشه کن کنند اما سرو بر جایش استوار است از دیگر نمادهای رمان می‌توان به زایش موش توسط زنان و نقاب گراز زدن تماشاچیان در فصل نهم اشاره کرد در این فصل انسان‌ها هیئت حیوانی گرفته‌اند زنان موش می‌زایند موش حیوان کثیف و مشمئزکننده‌ای است که همه چیز را می‌جود و نابود می‌کند در پایان این فصل نیز همه گراز می‌شوند گراز حیوانی درنده خو و وحشی است کبوتر و گوسفند نیز نمادی از مردم جامعه هستند که هربار در چنگ عقاب و گرگی اسیرند. (بیدار، ۱۳۹۱، <http://nasrinp.blogfa.com/post/15>). و پرچم سفید در دست کودک در آخر رمان نماد عدالت و آزادی و صلح است که نویسنده آرزوی صلح و دوستی و آزادی برای مردم و نسل‌های آینده کشور دارد.

رمان شب ملخ زمانی است منفی نگر نسبت به جنگ و درباره‌ی هشت سال دفاع مقدس است و نویسنده با تلفیق واقعیت و خیال به شرح رمان می‌پردازد. و در رمان به خاطر جنگ و اتفاقاتی که می‌افتد فضای وحشت و ترس و اضطراب بر راوی و دیگر شخصیت‌های رمان دیده می‌شود. وبا تلفیق فضایی رویاگونه و خیالی با واقعیت ارتباط برقرار می‌کند و ضمن قابل باور نشان دادن این تلفیق برای مخاطب به رمان‌گیری و جذابیت می‌بخشد. و زمان و مکان در این رمان در هم ریخته است که اشخاص، مکان‌ها، زمان‌ها در آن با هم اختلاط پیدا کردند. مثلاً: اشخاصی مانند بزرگمهر، حسنگ وزیر، افراسیاب، راوی و خانواده‌اش هر کدام از زمان‌های مختلفی هستند که در کنار هم در این رمان حضور دارند. و راوی از اسفند می‌گوید، ولی نه روز و نه سال در آن مشخص نیست. حتی گاهی اوقات خودش بیان می‌کند نمی‌داند در چه سالی و چه روزی و چه فصلی این اتفاقات رخ می‌دهند. و مکان هم در رمان شب ملخ جای مشخصی نیست گاهی اوقات سینما گاهی خیابان‌هایی که هیچ ذکر از نام آنها نمی‌رود و راوی به قزوین، مشهد، جبهه اشاره می‌کند و به عوض شدن شهدای شمالی و جنوبی اشاره می‌کند اما بیشتر اتفاقات در تهران اتفاق می‌افتد، اما نامی از جزئیات خیابان‌ها و کوچه‌ها نمی‌برد و اشخاص رمان از زمان‌ها و مکان‌های متفاوت وارد این زمان و مکان یعنی وارد زمان و مکانی می‌شوند که به آن تعلق ندارند و نویسنده به روستایی اشاره می‌کند که



نامی از آن نمی برد. و برای نویسنده فقط بیان داستان مطرح است. و طنز در رمان شب ملخ بیشتر طنزنابه جای موقعیت است و طنز در رمان طنزی تلخ و سوررئالیستی است و این ویژگی در کل رمان نمود بارزی دارد. و رویاهایی که نویسنده در رمان مطرح می کند رویای مرد طاس، رویای باجناب، رویای خواهر زن، رویای ناستین همسر راوی، رویای حسین پسر راوی، رویای خود راوی همه در داستان بیان می شوند و رویا های خود راوی کاملاً سوررئالیستی است او در عین آن که بیدار است خود را در جاهای دیگر می بیند.

اتفاقات جنون آمیزی در رمان شب ملخ مطرح می شود، اما عشق در رمان مطرح نیست بیش تر ترس و هراس را می خواهد نشان دهد از عاشیق فرهاد و شیرین در رمان نام برده می شود، ولی عشقی سوررئالیستی مطرح نیست کلاً رمان درباره ی حوادث و اتفاقات زمان جنگ است و نویسنده بیشتر می خواهد جنگ و ویرانگری و ترس و نابودی را نشان دهد و «شیرین نمادی از دنیای ماست که در آستانه ی ابتدال و نابودی ایستاده است». (سرور، ۱۳۸۳: ۳۲).

نام رمان نامی سوررئالیستی است و همچنین راوی در رمان مردگان هستند و طنز در رمان بسامد بالایی دارد. و طنز تلخ و سوررئالیستی است و اشخاص رمان در شب ملخ افراد زیادی هستند. فضای رمان شب ملخ فضایی رویاگونه و سوررئال است. و از مولفه های سوررئالیستی در این رمان نمود بارز دارد طنز، فضای ترس و وحشت و اضطرابی، اعمال غیرعادی و مجنون وار شخصیت های رمان، تسلط جنون بر شخصیت های رمان، رویا و خواب، تصاویر شگفت آور و محال، اشیاء سوررئالیستی و عقل گریزی و روان پریشی شخصیت های رمان به خوبی رمان را سوررئالیستی نشان می دهد.

نتایج و یافته های پژوهش

رمان شب ملخ شالوده ی عناصر مکاتب ادبی اکسپرسیونیستی، رئالیسم جادویی و سوررئالیسم را در خود جای داده است. و نویسنده با تلفیق خیال و واقعیت و فضای پر از اضطراب، ترس و وحشت و زنده شدن مردگان، انجام اعمال غیرعادی توسط شخصیت های داستان و تسلط جنون بر شخصیت های رمان، طنز موقعیتی و از همه مهمتر نمادپردازی توانسته است مولفه های سوررئالیستی را در رمان به خوبی بگنجاند.



فهرست منابع و مآخذ

۱. براهنی، رضا، (۱۳۸۰)، طلا در مس، ج ۱، تهران، انتشارات زریاب، چاپ دوم.
۲. بزرگ بیگدلی، سعید، قاسم‌زاده، سید علی، (۱۳۸۹)، عمده‌ترین جریان‌های رمان‌نویسی معاصر در انعکاس روایت‌های اسطوره‌ای، فصلنامه تخصصی پیک نور زبان و ادبیات فارسی، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۸۹، ص ۵۱-۷۷.
۳. بیگزبی، سی. و. ا. ی، (۱۳۸۴)، داداو سوررئالیسم، مترجم حسن افشار، انتشارات مرکز، چاپ چهارم.
۴. پارسی نژاد، کامران، (۱۳۸۴)، جنگی داشتیم، داستانی داشتیم، تهران، نشر صریر، چاپ اول.
۵. ثروت، منصور، (۱۳۸۵)، آشنایی با مکتب‌های ادبی، تهران، سخن، چاپ اول.
۶. جراح زاده، منوچهر، (۱۳۸۱)، یک آسمان پرواز، تهران، نشر حریم یاس، چاپ اول.
۷. داد، سیما، (۱۳۸۲)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، انتشارات مروارید، چاپ اول (ویرایش جدید).
۸. دستغیب، عبدالعلی، (۱۳۸۳)، کالبد شکافی رمان فارسی، تهران، سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)، چاپ اول.
۹. سیدحسینی، رضا، (۱۳۸۴)، مکتب‌های ادبی، ج ۲، تهران، انتشارات نگاه، چاپ دوازدهم.
۱۰. سرور، رضا (۱۳۸۳)، شب ملخ، نگاهی کویستی به جنگ، آزما، اسفند ۱۳۸۳، شماره ۳۴، صص ۳۰-۳۳.
۱۱. فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۸۶)، بلاغت تصویر، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول.
۱۲. مجابی، جواد (۱۳۶۹)، شب ملخ، تهران، انتشارات اسپرک، چاپ اول.
۱۳. میرصادقی، میمنت (ذوالقدر) (۱۳۷۳)، واژه‌نامه‌ی هنر شاعری، تهران، کتاب مهناز، چاپ اول.
۱۴. میرصادقی، جمال (۱۳۸۲)، داستان‌نویس‌های نام‌آور معاصر ایران، تهران، نشر اشاره، چاپ اول.
۱۵. میر عابدینی، حسن (۱۳۷۷)، صد سال داستان‌نویسی ایران، ج ۳، تهران، نشر چشمه، چاپ اول.
۱۶. مهویزانی، الهام (۱۳۷۶)، آینه‌ها (نقد و بررسی ادبیات امروز ایران)، دفتر دوم، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ اول.
۱۷. نوری کوتنایی، نظام‌الدین (۱۳۹۲)، (دائرةالمعارف) مکتب‌ها، سبک‌ها و جنبش‌های ادبی و هنری جهان تا پایان قرن بیستم، چاپ دوم، تهران، انتشارات یادواره اسدی ثامن الائمه (ع)، چاپ دوم.
۱۸. یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۳)، انسان و سمبولهایش، مترجم محمود سلطانی، تهران، انتشارات جامی، چاپ چهارم.
۱۹. بیدار، نرگس، (۱۳۹۱/۸/۲۵)، «نمادپردازی در رمان شب ملخ»، <http://nasrinp.blogfa.com>